

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

پیتر راسمن *
برگردان از: اسماعیل صادقی
۰۷ فبروری ۲۰۲۲

بنگاه‌های اقتصادی چند ملیتی و کووید-۱۹: حقوق مالکیت معنوی در تقابل با حقوق بشر



سیستم تجارت چندجانبه مورد حمایت سازمان تجارت جهانی، به تجارت فرامرزی کالاهای مادی محدود نمی‌شود. بلکه بیش از آن، این سیستم به منظور پشتیبانی از انحصارات دانش بنگاه اقتصادی طراحی شده بود. به کشورهای رو به توسعه گفته می‌شد که پایبندی دقیق به قوانین تجارت آزاد، که سازمان تجارت جهانی آن را تدوین و به اجرا گذاشته است، با انتقال فناوری و افزایش مهارت، ظرفیت تولید آنها را افزایش می‌دهد. بحران کووید-۱۹ ماجرای متفاوتی را روایت می‌کند. توزیع جهانی دانش دارای حق انحصاری محفوظ، که بشدت از محور شمال/جنوب منحرف شده است، در جغرافیای تولید و اکسین و میزان واکسیناسیون قابل مشاهده است.

تا به امروز ۸۵ درصد از میزان واکسیناسیون در کشورهای ثروتمند انجام شده است، جایی که میزان مرگ و میر ناشی از کووید به طور چشمگیری کاهش یافته است. در حالی که چنانچه واکسیناسیون با سرعت کنونی انجام شود، نه فقط سال‌ها بلکه ده‌ها سال طول می‌کشد تا مردم کشورهای کم درآمد واکسینه شوند.

وجود مازادها و ظرفیت‌های خالی تولید در ببحوحه کمبودهای شدید، از ویژگی‌های نظم جهانی است. اما تفاوت در میزان واکسیناسیون، حتی مثلاً در مقایسه با دسترسی نابرابر وحشتناک به منابع غذائی جهان، تکان‌دهنده است. دو چیز برای از بین بردن تفاوت و تسریع واکسیناسیون انبوه ضروری است: استفاده کامل از ظرفیت موجود و گسترش تولید واکسین در کشورهای رو به توسعه. این امر مستلزم مهار کردن سلطه سازندگان واکسین بر انحصار

دانش و فناوری در تولید آنها یعنی حقوق مالکیت معنوی شرکت‌ها است. این دانش که در حق ثبت اختراع و سایر اشکال مالکیت معنوی مندرج شده است به صاحبان آنها اجازه می‌دهد تا تعیین کنند چه کسی محصول را با چه شرایطی و در چه زمانی بفروشد.

هنگامی که دولت‌ها تأمین مالی ساخت واکسین را به عهده گرفتند، شرطی برای دسترسی آزاد به نتایج را تعیین نکردند. آنها با سازندگان واکسین با حفظ حقوق انحصاری آنها در تولید، قیمت‌گذاری و توزیع وارد سرمایه‌گذاری شدند. عرضه محدود، بازار فروشندگان را حفظ می‌کند، به عنوان مثال، قیمت هر دوز واکسین فایزر ۱۹.۵۰ دلاری، بین ۶۰ تا ۸۰ درصد حاشیه سود دارد. در مکالمه فبروری ۲۰۲۱ با سرمایه‌گذاران، مدیر ارشد مالی این شرکت آن را «قیمت در دوران همه‌گیری» نامید و گفت که شرکت انتظار دارد «پس از دوران همه‌گیری از قیمت‌ها سود بیشتری کسب کند».

حقوق مالکیت معنوی، سازمان تجارت جهانی و جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت معنوی

مقررات جهانی حاکم بر حقوق مالکیت معنوی در توافقنامه سازمان تجارت جهانی در مورد حقوق مالکیت معنوی مرتبط با تجارت (TRIPS) تعیین شده است. برای درک این که چگونه و چرا حقوق مالکیت معنوی قابل اجراء در سطح جهانی، وارد رژیم «تجارت آزاد» سازمان تجارت جهانی شده است، نیاز به توضیح است. همچنین باید نگاهی به صنعت داروسازی بیندازیم و این که چگونه بنگاه‌های اقتصادی پرنفوذ، زنجیره‌های ارزش جهانی را بر اساس حقوق مالکیت معنوی ایجاد کرده‌اند و معنای آن برای سلامت عمومی چیست؟

مقررات حقوق مالکیت معنوی مرتبط با تجارت (به‌طور اختصار، تریپس) از همه کشورهای عضو می‌خواهد «حق ثبت‌ها را برای هر اختراعی، اعم از محصولات یا فرآیندها، در همه زمینه‌های فناوری و بدون استثنا محفوظ دارند» و مدت ۲۰ سال را به عنوان حداقل زمان حفاظت از ثبت اختراع تعیین می‌کند. در طول عمر حق ثبت، صاحب آن امتیاز، حق تولید، توزیع و واردات محصول را دارد. همچنین حفاظت مشخص از حق چاپ‌ها، علائم تجاری، طرح‌های صنعتی و «اطلاعات افشاء نشده» (که عموماً به عنوان اسرار تجاری شناخته می‌شوند) و داده‌های آزمایشی (مانند نتایج آزمایشات بالینی واکسین) را در نظر می‌گیرد. همه این موارد به بحران کووید-۱۹ مرتبط اند.

قبل از تریپس، اجرای این مقررات در خارج از حوزه‌های قضائی کشوری یا ملی، کاری ناقص و دشوار بود. برخی از کشورها هیچ گونه حفاظتی برای داروهای اعمال نمی‌کردند. برخی نیز، مانند هند، از فرآیندهای تولید داروئی محافظت می‌کردند، اما نه از خود محصولات و با مهندسی معکوس تولید محصولات ژنریک کم‌هزینه را امکان‌پذیر می‌کردند. در اواخر دهه ۱۹۷۰، در پس زمینه تسریع تولید صنعتی در آسیا و امریکای لاتین و بدتر شدن کسری تجاری کشور، شرکت‌های امریکائی در زمینه نرم‌افزارها، داروسازی و رسانه‌ها و سرگرمی‌ها پیام هشداردهنده‌ای دادند: به دلیل «سرقت» گسترده دانش فنی امریکائی، این کشور در شرف از دست دادن مزیت رقابتی خود و ظرفیت نوآوری‌اش بود.

«نوآوری» بزرگ آنها سازماندهی و لابی کردن برای گنجاندن امر حفاظت از حقوق مالکیت در توافق‌نامه‌های تجاری بود. توافق‌نامه عمومی تعرفه‌ها و تجارت (گات GATT) محل کاهش تعرفه‌ها و سهمیه بندی‌ها بود. مدل‌های جدید توافق‌نامه‌های تجاری به‌طور فزاینده‌ای بر تقویت حقوق سرمایه‌گذارهای فراملی در برابر دولت‌ها متمرکز شدند. یکی از اهداف کلیدی این تلاش‌ها، حقوق مالکیت معنوی مستحکم‌تر بود.

کشورهایی که میزبان رقبای واقعی یا خیالی بودند، به از دست دادن دسترسی به بازار تهدید و از طریق اقدامات یکجانبه مجازات می‌شدند. مذاکره‌هایی بین ایالات متحده، کانادا و مکزیکو در مورد توافق‌نامه‌های دوجانبه برای تقویت حقوق مالکیت معنوی شرکت‌های امریکائی و به دنبال آن توافق‌نامه تجارت آزاد امریکای شمالی (NAFTA) انجام شد. اروپا و جاپان را هم وارد جریان کردند.

تریپس در پایان دور نهائی گات در سال ۱۹۹۴ به اتفاق آراء تصویب شد و در سال ۱۹۹۵ با تولد سازمان تجارت جهانی (WTO) به اجراء گذاشته شد. تریپس با یکی دیگر از معاهدات اساسی سازمان تجارت جهانی، یعنی توافق‌نامه اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت (تریپس TRIMS) همراه شد. تریپس، اساساً هرگونه اقدام برای ترویج محتوا و انتقال فناوری محلی را محدود کرد - همان اقداماتی که برای توسعه سیاست‌های صنعتی ملی ضروری‌اند، مانند توسعه ملی صنایع دارویی. تریپس و تریپس، موانعی را در مسیر توسعه در کشورهایمانند برازیل و هند که صنایع دارویی خود را قبل از طرح قوانین الزام‌آور جهانی حقوق مالکیت معنوی توسعه داده بودند، ایجاد کرد. از زمان تریپس، اتحادیه اروپا، ایالات متحده و دیگر کشورهای ثروتمند به مذاکره در مورد توافق‌نامه‌های دوجانبه بازگشته‌اند که حتی از استانداردهای حداقلی تعیین شده در تریپس، حفاظت از حقوق مالکیت معنوی نیز سفت و سخت‌ترند، از این نظر این توافقات را «تریپس پلاس» (TRIPS plus) می‌نامند.

حقوق مالکیت معنوی و صنعت داروسازی

حقوق مالکیت معنوی، تکامل صنعت داروسازی و زنجیره ارزش آن را تعیین می‌کند. کنترل اکید حق ثبت اختراع به شرکت‌ها این امکان را داد که عرضه را محدود کرده و قیمت‌های انحصاری را در داخل و خارج از کشور حفظ کنند.

این‌ها شرکت‌های تولیدی با ادغام -عمودی [رویکرد تأمین فرایند کامل تولید] بودند که قبلاً بخش‌های تحقیقاتی و کارآزمایی بالینی خود را برون‌سپاری نمی‌کردند. در دهه ۱۹۷۰ آنها به طور فزاینده‌ای به برون‌سپاری رو آوردند تا از هزینه‌های کمتر و مقررات زیست‌محیطی ضعیف‌تری برخوردار شده، از فرایند تحقیق و توسعه، کارآزمایی و تولید شانه خالی کنند. زنجیره ارزش، همچنان گسترده‌تر می‌شود زیرا پیشرفت‌های سریع در مهندسی ژنتیک و بیوتکنولوژی که توسط تحقیقات با بودجه دولتی انجام می‌شود، به‌طور فزاینده‌ای روی روش‌های بیولوژیکی - یعنی ساخت داروها بر اساس فرآیندهای بیولوژیکی و نه کیمیائی - متمرکز شده است. استارت‌آپ‌ها و تقاضا برای ثبت اختراع رونق گرفت و رقابت بین غول‌های داروسازی را برای به دست آوردن شرکت‌ها، بزرگ یا کوچک، با ثبت اختراعات سودآور تشدید کرد. گسترش زنجیره ارزش نیاز به حقوق مالکیت معنوی سفت و سخت‌تری برای جلوگیری از نشأت دانش را افزایش داد.

در سال ۱۹۸۰، ایالات متحده قانونی را تصویب کرد که به مشاغل و دانشگاه‌های کوچک اجازه می‌داد اختراعاتی را که با بودجه عمومی ایجاد می‌شدند، ثبت کنند. قبلاً مالکیت این اختراعات به‌طور خودکار به دولت بازگردانده می‌شد، که به آنها حق ثبت به‌عنوان تولیدکنندگان ژنریک را می‌داد یا مستقیماً به حوزه مالکیت عمومی منتقل می‌شد. اما اکنون دانشگاه‌ها و استارت‌آپ‌ها در حال حاضر جزو مجموعه شرکت‌های دانش بنیان قرار گرفته‌اند و «انتقال فناوری» موجب شد تا نتایج تحقیقات دولتی را بتوان به عنوان اختراع خصوصی به ثبت رساند.

مالیه گردانی دانش

در همان زمان، شرکت‌ها داروئی به طور فزاینده‌ای به مالیه شدن روی آوردند، هزینه‌های مربوط به ظرفیت تولید، کارکنان و حتی تحقیق و توسعه را کاهش دادند تا پول نقد برای تقسیم بین سهامداران به عنوان سود سهام و بازخرید سهام خود شرکت (بای بک buyback) به جای پرداخت سود به سهام داران را در اختیار داشته باشند^۲. برای دو شرکت «فایزر» و «جانسون اند جانسون» که هر دو در زمره بزرگترین شرکت‌ها هستند، در فاصله سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۵ مخرج ناشی از بازخرید سهام (بای بک) و سود سهام از کل درآمد خالص آنها فراتر رفت. آنها برای تأمین مالی افزایش پرداخت سود به سرمایه‌گذاران و مدیران بالای شرکت، با استفاده از دارائی‌های مالکیت معنوی خود به عنوان وثیقه به بازار وام رو آوردند. در این مدت، فایزر مبلغ ۱۳۹ میلیارد دلار به سهامداران بازگرداند در حالی که برای تحقیق و توسعه فقط ۸۲ میلیارد دلار هزینه کرد^۳. شرکت‌های اروپائی هم راه آنها را دنبال کردند و مانند هم‌تایان امریکائی خود چنین استدلال کردند که قیمت بالای دارو برای حفظ «نوآوری» ضروری است.

شرکت‌های داروسازی مالی شده به عنوان سازمان‌هایی شناخته می‌شوند که فعالیت‌هایشان مدیریت مجموعه‌ای از دارائی‌های مالی و نه فیزیکی است. بزرگترین دارائی مالی آنها حق ثبت اختراع است که ۸۰ درصد سود آنها را تأمین می‌کند؛ رقابت، تلاش و تقلای را به پیش می‌راند که در صنعت آن را «موفقیت کامل» حق ثبت می‌نامند. موفقیت نهائی و کامل، یعنی تولید داروئی که مصرف روزانه آن برای بیمار اهمیتی حیاتی داشته و عرضه آن در کشوری مانند امریکا که نهادهای نظارتی، توانائی چندانی برای مذاکره در مورد قیمت آن ندارند. بی‌دلیل نیست که تا به امروز ایالات متحده بزرگترین بازار داروئی جهان است. لیبیتور (Lipitor) داروی کاهش کلسترول فایزر، پرفروش‌ترین داروی تجویزی در طول تاریخ، در طول عمر ثبت اختراع، ۱۲۵ میلیارد دلار و در برخی از سال‌ها تقریباً یک چهارم کل درآمد شرکت را به ارمغان آورد. اگر محصولی فروش جهشی داشته باشد، شرکت‌ها می‌توانند با حفظ کنترل کامل، از طریق پیمانکاری‌های جزء، تولید را گسترش دهند. این مطلب بخوبی نشان می‌دهد که چرا شرکت‌ها علاقه‌ای ندارند به عنوان مثال، در جهت درمان بیماری‌های گرمسیری و سل گام بردارند، یعنی قاتلان اصلی که در درجه اول گریبان فقرا را می‌گیرند.

در اوایل دهه ۲۰۰۰، آژانس بهداشت عمومی کانادا اولین واکسین ابولا را تأیید کرد. تا قبل از شیوع این بیماری در افریقای غربی در سال ۲۰۱۴ هیچ‌گونه علاقه تجاری به تولید این واکسین وجود نداشت. امروزه واکسین ابولا متعلق به شرکت مرک (Merck) است. اما «این بخش دولتی بود، نه شرکت مرک که تمامی بودجه، از جمله بودجه کارآزمائی بالینی، به علاوه تأمین تخصص فنی، منابع انسانی و زیرساخت‌های لازم برای انجام آزمایش‌ها در طول اپیدمی افریقای غربی را تأمین کرد.» صنعت داروسازی یک ماشین مالی بسیار کارآمد جهت ایجاد درآمد برای سرمایه‌گذاران از طریق قیمت گذاری انحصاری، کنترل اکید منابع و تحقیقات کاملاً متمرکز است. با وجود همه دستاوردهای قابل توجه فناورانه، مدل تجاری و پویای مالی این صنعت نمی‌تواند نیازهای ناشی از شرایط اضطراری بهداشت جهانی را برآورده کند. تأمین بودجه دولتی بود که واکسین‌ها را در کمترین زمان آماده ساخت؛ دولت‌ها کلید بازکردن قفل تولید را در دست دارند.

حقوق بشر در تقابل با حقوق مالکیت معنوی

در سال ۱۹۹۷، افریقای جنوبی قانون ثبت اختراع خود را برای سهولت دسترسی به داروئی‌های ژنریک ارزان‌تر برای اچ‌آی‌وی/ایدز تغییر داد. سال بعد، ۳۹ شرکت داروسازی چند ملیتی از آن دولت شکایت کردند تا مجبور شود از قانونی

که به زعم دادگاه «مالکان حقوق معنوی را از سود ناشی از محصولات دارویی محروم می‌کند» صرف‌نظر کند. رئیس‌جمهور وقت نلسون ماندلا شخصاً به عنوان متهم معرفی شد.

امریکا و کمیسیون اروپا از این شکایت حمایت کردند. اما اعتراضات سازمان یافته مردم، شرکت‌ها را مجبور کرد از شکایت خود صرف‌نظر کنند و دولت‌ها نیز از پشتیبانی از آن شکایت دست برداشتند. به دنبال این مبارزه پیروزمندانه برای دسترسی به داروهای حیاتی، قوانین تریپس در سال ۲۰۰۱ «تعریف روشن‌تری پیدا کردند» تا شرایطی را مشخص کند که تحت آن، دولت‌هایی که با «موقعیت اضطراری بهداشتی در سطح ملی» روبه رو می‌شوند بتوانند جواز اضطراری تولید را بدون تأیید مالکین حقوق دارو صادر کنند. اما این دستورالعملی دست و پا گیر است که صرفاً می‌تواند مورد به مورد، و هر بار برای کشوری واحد به اجراء درآید. توافق‌نامه‌های تجاری دوجانبه ممکن است دولت‌ها را در استفاده از این مجوزهای اضطراری محدود کند.

اما کووید-۱۹ یک بیماری همه گیر جهانی است. و قوانین مالکیت معنوی بر حفاظت از روند تشخیص، درمان و تجهیزات محافظ شخصی آن، حاکم است. تمام این روندها و محصولات با کمبود مواجه‌اند. کنترل سخت ثبت اختراعات، تولید و توزیع آنها را متوقف کرده است.

به همین دلیل است که ۶۲ کشور به رهبری هند و افریقای جنوبی پیشنهاد کرده‌اند تا سازمان تجارت جهانی از تعهدات کشورهای عضو تریپس در مورد تمام محصولات مورد نیاز پیشگیری، مهار و درمان کووید-۱۹ چشم‌پوشی کند. در حالی که دولت بایدن (فقط) از معافیت واکسین حمایت کرده و این پیشنهاد علی‌رغم حمایت دو سوم کشورهای عضو در سازمان تجارت جهانی تصویب نشد. این تنها نتیجه فعالیت لابی‌های شرکتی نیست، گرچه آنها هم در آن دخیل‌اند. اعتقاد راسخ شایع، این است که حقوق مالکیت معنوی، هرگز نباید نقض شود.

کوواکس (COVAX)، وسیله مورد تأیید دولت‌ها و شرکت‌ها برای توزیع واکسین بین کشورهای کم‌درآمد، اساساً مشارکت بشردوستانه‌ای میان بخش دولتی و خصوصی است که شرکت‌ها را در کنترل قدرت خود بر تولید، قیمت‌گذاری و مقصد کنترل می‌کند. کوواکس در تحویل واکسین با شکست مواجه شد. طبق داده‌های وبسایت آن، تا ۱۹ جولای ۲۰۲۱ تنها ۱۲۹ میلیون دوز واکسین ارسال شده است.

در ماه مه سال ۲۰۲۰، در پاسخ به فراخوان همبستگی جهانی به رهبری کوستاریکا، سازمان بهداشت جهانی ملل متحد، مخزن دسترسی به فناوری کووید-۱۹ (سی‌تپ C-TAP) را برای افزایش عرضه تشخیص کووید-۱۹، درمان، واکسین و سایر تولیدات مرتبط با این بیماری با به اشتراک گذاشتن مالکیت معنوی از طریق قراردادهای حق ثبت غیرانحصاری با تولیدکنندگان واجد شرایط را راه‌اندازی کرد. جای تعجب نیست که با آن که سی‌تپ مورد حمایت کشورهای عضو است، هیچ شرکتی آن را امضا نکرده است. سی‌تپ که در سیستم ملل متحد جای گرفته است، می‌تواند ظرفیت بلااستفاده را به‌صورت آنلاین اعلام و سرمایه‌گذاری و فناوری را به سوی کشورهای در حال توسعه سوق دهد تا تولید خود را در حد وسیع‌تری افزایش دهند. برای این که این اتفاق بیفتد، یک یا گروهی از کشورهای که شرکت‌های دارای حقوق معنوی مربوط به کووید در آنها مستقرند، باید دست به کار شوند. این شرکت‌ها را باید به اجبار وادار به پذیرش این امر کرد.

موانع اصلی برای گسترش تولید واکسین، سیاسی‌اند. جای تعجبی ندارد که شرکت‌های دارویی و لابی‌های آنها به شدت با معافیت تریپس کووید-۱۹ مخالف باشند. در نامه ۵ مارچ ۲۰۲۱ به دولت بایدن، شرکت‌های دارویی مشهور در ایالات متحده ادعا کردند که «حفاظت از مالکیت معنوی نه تنها برای سرعت بخشیدن به تحقیق و توسعه درمان‌ها و

واکسین‌های جدید، بلکه هم چنین برای تسهیل اشتراک فناوری نیز و اطلاعات برای افزایش تولید واکسین برای رفع نیازهای جهانی ضروری بوده است».

استدلال‌هایی از این دست که «حذف حفاظت‌ها واکنش جهانی به همه‌گیری را تضعیف می‌کنند ...» در مخالفت با پیشنهاد معافیت در مذاکرات اتحادیه اروپا با شورای تریپس سازمان تجارت جهانی دوباره تکرار شده اند. در مقابله با همه شواهد، استدلال می‌شود که اعمال حقوق مالکیت معنوی عاملی است برای تسهیل واکسیناسیون جمعی و نه مانعی بر سر راه آن. اجماع گسترده شرکت‌ها، پایبندی‌شان به تریپس است. امروزه شرکت‌های فراملی بیش از هر زمان دیگری به حقوق مالکیت معنوی متکی هستند تا زنجیره ارزش جهانی خود را شکل دهند. بنیاد گیتس از طریق کوواکس، نقش منفی بزرگی را در همه‌گیری ایفاء کرد. با آن که مایکروسافت هیچ اختراع مرتبط با کووید را در اختیار ندارد، اما نرم‌افزارش که دارای حق انحصاری نشرو چاپ است، منبع قدرت آن است و اجماع در باره حقوق مالکیت معنوی به طور گسترده‌ای در همه جا نفوذ یافته است.

پس از اعلامیه ۲۰۰۱ دوحه که پاسخ سازمان تجارت جهانی به مبارزه برای دسترسی مقرون به صرفه درمان اچ‌آی‌وی /ایدز بود، شانزده سال مذاکره لازم بود تا مفاد قانونی کلیدی تریپس در مورد واردات داروهای ژنریک تولیدی تحت مجوز اجباری اصلاح شود. پس از این بود که ۳۷ کشور ثروتمند، از جمله استرالیا، کانادا، ایسلند، جاپان، اروپا، سوئیس، بریتانیا، ایالات متحده و اتحادیه اروپا به‌طور رسمی امتناع خود از پذیرش چنین وارداتی را حتی در موقعیت اضطراری ملی، اعلام کردند. این سرسپردگی بی‌چون و چرا به حقوق مالکیت معنوی به هر قیمت، معادل یک پیمان و معاهده خودکشی ملی است و می‌تواند بحق به عنوان بنیادگرایی در حقوق مالکیت معنوی توصیف شود. دسترسی به داروها به عنوان یک اصل اساسی حقوق بشری برای سلامت شناخته شده است. اتحادیه‌ها از درخواست معافیت از تریپس حمایت کرده‌اند. مبارزه سازمان یافته در همه سطوح است که تعیین می‌کند که کدامیک برتری خواهد یافت: حقوق بشر یا حقوق مالکیت معنوی.

پادداشتهای پایانی

۱) جولای ۲۰۲۱، فایزر (Pfizer) اعلام کرد، واکسین را به همراه بیواک (Biovac) (افریقای جنوبی برای توزیع در کشورهای افریقائی تولید می‌کند. اما، نیویورک تایمز گزارش داد، «تولیدکننده افریقائی جنوبی، بیواک، فقط توزیع و پرکردن آمپول‌ها — یعنی آخرین مرحله فرآیند تولید- را انجام می‌دهد که طی آن واکسین در شیشه‌های کوچک آمپول‌ها ریخته شده و برای حمل بسته‌بندی می‌شود. شرکت افریقائی به تأسیسات فایزر در اروپا متکی خواهد بود که ماده واکسین را تولید و به مرکز کیپ‌تاون ارسال نماید». این همان نظام بهره‌مکنشی جهانی مبتنی بر حقوق مالکیت معنوی است که شرکت کوکاکولا پیشگام ابداع آن بود. شرکت کوکاکولای مادر، کنسانتره را می‌سازد، و شرکت‌هایی که تنها مجوز پر کردن بطری‌ها را دارند، کنسانتره رقیق شده را در بطری‌ها به دست مشتری می‌رسانند.

۲) بازخرید سهام باعث کاهش تعداد سهام در گردش و افزایش سود هر سهم می‌شود. بازخریدها، پاداش مدیران را افزایش می‌دهد، زیرا که بخش اعظم این پاداش‌ها به صورت سهام پرداخت می‌شود. بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۵، ۱۸ شرکت بزرگ داروئی ایالات متحده ۹۹ درصد از سود خود را بین سهامداران تقسیم کردند، که نیمی از آن در قالب بازخرید سهام بود.

۳) همه ارقام از لازونیک و دیگران. «الگوی کسب و کار مالی شده شرکت‌های داروسازی ایالات متحده».

۴) به عنوان مثال مراجعه کنید به تجزیه و جون ۲۰۲۱ توسط داروهای بدون مرز.

۵) این نکته به طور قانع کننده‌ای در مطلب «انحصار معنوی در زنجیره‌های ارزش جهانی» توسط سیدریک دوراند و ویلیام میلبرگ، اثبات شده است.

(مانتلی ریویو، ۴ سپتامبر ۲۰۲۱)

دانش و امید، شماره ۸، آبان [عقرب] ۱۴۰۰

Peter Rossman – مدیر کامپین‌ها و ارتباطات اتحادیه بین‌المللی کارگران شاغل در بخش‌های تغذیه، کشاورزی، هتل، رستوران، پذیرائی، دخانیات و انجمن‌های کارگران متحد (IUF) از سال ۱۹۹۱ تا بازنشستگی در سال ۲۰۲۰ بود.

منبع:

[Multinational Corporations and COVID-19: Intellectual property rights vs. human rights |](#)

[MR Online](#)